



Investigation of the process of debate conflict between chineses and romans based on Halliday s functional theory

Zahrabatool Bagherian Hakani^{1*}| Yahya Talebian²| Gholam Reza Mastali Parsa³

1. Ph.D. of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: zahrabatool@yahoo.com
2. Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: ytalebian@gmail.com
3. Associate Professor of Persian Language and Literature, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. E-mail: mastaliparsa@atu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 09 Apr 2023
Accepted: 18 Jul 2023

Keywords:
debate,
Molana,
the anecdote of the
Chinese and Romans
painters' Debate,
Halliday,
Functional linguistics,
process of verbs.

ABSTRACT

The present article aims to analyze the ideational function of "to quarrel the Chinese and the Romans" by analyzing the process of verbs and the transitive system based on Halliday's functional theory. In other words, the discovery of the empirical, mental and objective world of Rumi in this debate is done by analyzing and examining the processes of the ideational function. The statistical society is all the verses of this debate (33 verses) and the sample includes all its verbs (68 verbs in 33 vers The findings and results of this research are: It seems that Halliday's functional theory is appropriate in reading the story of the Chinese and the Romans. In this story, material processes are one of the tools of Rumi's thought to establish a more concrete and objective relationship with the audience and, as a result, clarify his mystical circuits. Therefore, in this debate, material processes have been placed at the service of Rumi's mystical vision.

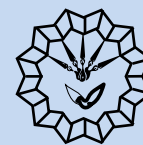
Cite this article: Bagherian Hakani, Z., Talebian, Y., Mastali Parsa, Gh. R. (2023). Investigation of the process of debate conflict between chineses and romans based on Halliday s functional theory. *Research of Literary Texts in Iraqi Career*, 4 (2), 1-12.



© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22126/LTIP.2023.9010.1152>

Publisher: Razi University



تحلیل فرایندهای مناظره چینی‌ها و رومی‌ها بر پایه نظریه نقش‌گرای هلیدی

زهراب‌تول باقریان هکانی^{۱*} | یحیی طالبیان^۲ | غلامرضا مستعلی پارسا^۳

۱. دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: zahrabatol@yahoo.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: ytalebian@gmail.com

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: mastaliparsa@atu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	مقاله حاضر بر آن است تا با تحلیل فرایندهای نظام‌گذاری، نقش‌اندیشگانی «مری کردن چینی‌ها و رومی‌ها» را بر بنیاد نظریه نقش‌گرای هلیدی بررسی کند. به بیان دیگر، کشف دنیای تجربی، ذهنی و عینی مولانا در این مناظره با تحلیل و بررسی فرایندهای نقش‌اندیشگانی صورت می‌گیرد. روش آماری در این مقاله ترکیبی (کیفی کمی) است و نحوه اجرای آن توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری تمام ابیات این مناظره (۳۳ بیت) است و نمونه، شامل همه افعال آن (۶۸ فعل در ۳۳ بیت) است. براساس یافته‌ها و نتایج حاصل از این پژوهش به نظر می‌رسد نظریه نقش‌گرای هلیدی، در خوانش حکایت چینیان و رومیان مناسب است. فرایندهای مادی به‌عنوان یکی از ابزارهای اندیشه مولانا برای برقراری رابطه ملموس‌تر و عینی‌تر با مخاطب و در نتیجه روشن شدن مدارهای عرفانی او هستند؛ بنابراین در این مناظره فرایندهای مادی بیشتر از سایر فرایندها در خدمت دیدگاه عارفانه مولانا قرار گرفته‌اند.
تاریخچه مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷	
واژه‌های کلیدی: مناظره، مولانا، مری کردن چینی‌ها و رومی‌ها، هلیدی، زبان‌شناسی نقش‌گرا، فرایند افعال.	

استناد: باقریان هکانی، زهراب‌تول؛ طالبیان، یحیی؛ مستعلی پارسا، غلامرضا (۱۴۰۲). تحلیل فرایندهای مناظره چینی‌ها و رومی‌ها بر پایه نظریه نقش‌گرای هلیدی. پژوهشنامه متون ادبی دوره عراقی، ۴ (۲)، ۱۲-۱.



© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22126/LTIP.2023.9010.1152>

ناشر: دانشگاه رازی

۱. مقدمه

بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی مانند زبان‌شناسی نقش‌گرا، رهاوردهای مختلفی دارد؛ مانند دقت در مطالعات متون ادبی، در نظر گرفتن بافت غیرزبانی و روابط میان‌فردی نظر به گونه ادبی منظره، توجه به جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و عرفانی آثار ادبی.

۱-۱. بیان مسأله پژوهش

مسأله این پژوهش، بررسی دیدگاه مولانا در مناظره چینی‌ها و رومی‌ها بر پایه نظریه نقش‌گرای هلیدی است. این مسأله در این منظره با تحلیل و بررسی فرایندها در نقش اندیشگانی زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی صورت می‌گیرد. چگونه می‌توان با تحلیل فرایندهای افعال در بخش اندیشگانی این حکایت می‌توان به مفاهیم عرفانی مندرج در داستان رسید؟

۱-۲. پیشینه پژوهش

تاکنون در مورد بررسی فرایندهای نقش اندیشگانی مناظره «مری کردن چینی‌ها و رومی‌ها» پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما احمد کتابی در مقاله «قصه مری کردن چینیان و رومیان در علم نقاشی و صورت‌گری» (۱۳۸۶) روایت‌های مختلف این داستان، وجوه اشتراک و افتراق آن‌ها را بررسی و به پیام مشترک آن‌ها اشاره کرده است. در زمینه بررسی فرایندهای نقش اندیشگانی در آثار ادبی نیز مقالات زیر نوشته شده است:

«سبک‌شناسی حکایات گلستان بر اساس فعل بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند» از مریم نخعی (۱۳۹۶) / «بررسی انواع فرایندهای فرانقش اندیشگانی در غزلیات سعدی با رویکرد شناختی» از پروین دخت مشهور و محمد فقیری (۱۳۹۴) / «بررسی سبک شناختی فعل در گلستان سعدی متأثر از حوزه تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند» از مجتبی منشی‌زاده و لیلا الهیان (۱۳۹۳) / «سبک‌شناسی غزلیات حافظ بر اساس فعل، رویکرد نقش‌گرا» از معصومه امیرخانلو (۱۳۹۴) / «سبک‌شناسی داستان بر اساس فعل: رویکرد نقش‌گرا» از آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۸۹).

۱-۳. روش پژوهش

برای رسیدن به مفاهیم تجربی مناظره چینی‌ها و رومی‌ها از روش نقش‌زبان‌شناسی گرای هلیدی و به‌طور اخص، تحلیل فرایندهای افعال در بخش اندیشگانی این حکایت استفاده شده است. روش آماری در این مقاله ترکیبی (کیفی کمی) است و نحوه اجرای آن توصیفی تحلیلی است. جامعه آماری تمام ابیات این منظره (۳۳ بیت حکایت مری کردن چینیان و رومیان) است و نمونه، شامل همه افعال آن (۶۸ فعل در ۳۳ بیت) است.

۱-۴. اهداف و یافته‌های پژوهش

هدف کلی در این جستار، تحلیل جهان ذهنی و عرفانی مولانا در مناظره رومیان و چینیان و بررسی کارآمدی زبان‌شناسی نقش‌گرا در تحلیل متون ادبی است؛ هدف خاص آن، مقایسه بسامدهای فرایندهای اصلی مادی، ذهنی و رابطه‌ای و فرایندهای فرعی بیانی رفتاری و وجودی در این منظره است. نظریه‌های جدید از جمله زبان‌شناسی نقش‌گرا، برای خوانش متون کلاسیک و به‌طور ویژه «مناظره رومیان و چینیان» بسیار کارآمد و مفید است. در مناظره چینی‌ها و رومی‌ها مولانا فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی بیشترین بسامد را دارند.

استفادهٔ فراوان مولانا از فرایندهای مادی، در ملموس و عینی شدن مفاهیم عرفانی این مناظره، نقش زیادی دارد؛ به عبارت دیگر با تأویل عارفانهٔ این حکایت، جنبهٔ عرفانی فرایندهای مادی در این متن برجسته تر است. شاعر برای این که مفاهیم عرفانی را به ذهن نزدیک کند و آن‌ها را برای مخاطب ملموس نماید، داستان را این گونه آغاز می‌کند: هریک از دو گروه چینی‌ها و رومی‌ها، خانه‌ای را انتخاب می‌کنند. چینی‌ها صد رنگ را از پادشاه درخواست می‌کنند و هر روز از او رنگ‌های مختلفی را می‌گیرند و خانه را با آن رنگ می‌کنند؛ از سوی دیگر، رومی‌ها در خانه را می‌بندند و تنها به صیقل زدن و صاف کردن خانه می‌پردازند. پس از اتمام کار آن‌ها، پادشاه به خانهٔ چینی‌ها می‌رود و نقاشی زیبای آن‌ها را تحسین می‌کند. آن‌گاه به منزل رومیان می‌رود، دیوارهای صیقل زده را می‌بیند و از دیدن آن، بیشتر از تصاویر زیبای چینیان در شگفت می‌شود. مولانا در این داستان صوفیان را به رومیان تشبیه کرده است که از کتاب و ابزار بی‌نیازند، پیوسته دل خود را صیقل می‌دهند و صفات منفی همچون آرزو و بخل و کینه را از سینه‌های خود پاک کرده‌اند؛ بنابراین دل آن‌ها پذیرای نقوش بی‌عدد شده و در بند هیچ رنگ و بویی نیستند.

برای بیان بخش‌هایی از این مرحله در آغاز داستان، از افعال فیزیکی و مادی استفاده شده است. در مرحلهٔ بعد، فرایندهای رابطه‌ای و ذهنی نیز با مضامین انتزاعی و عارفانهٔ این مناظره تناسب دارند. بعد از فرایندهای ذهنی، فرایندهای کلامی، بیشترین فراوانی را دارند. گویا راوی، تمایل نداشته از فرایندهای بیانی، بیش از این استفاده کند و نتیجهٔ این مناظره را به طور مستقیم از زبان شخصیت‌ها بیان کند؛ بلکه از اواسط مناظره، نظر خود را به صورت ابیاتی که در آن‌ها، مفاهیم عارفانه و انتزاعی بیشتری قرار دارند اظهار می‌دارد. بسامد اندک و روش به کارگیری فرایندهای بیانی، موجب شده است تا متن از ویژگی گفت‌وگویی و مکالمه‌ای به دور باشد و به تک‌گویی نزدیک شود.

به طور کلی، راوی این مناظره با به کارگیری فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی، نتایجی عارفانه می‌گیرد: از دیدن موجودات و تعینات دنیای مادی که نماد کثرت هستند، می‌توان به حقیقت واحد رسید؛ نفس را باید از صفات نکوئیده پاک کرد؛ عارفان از علوم ظاهری بی‌نیاز هستند و... وحدت اصالت دارد و کثرت‌ها، اعتباری‌اند و دوباره به اصل خود یعنی وحدت می‌روند. انسان‌های بصیر از کثرت‌ها به وحدت می‌رسند. علوم ظاهری با تلاش و ریاضت به دست می‌آیند؛ اما علوم حقیقی با شهود و به شرط داشتن دلی پاک از زنگار رذایل اخلاقی، ترک خودپرستی و گذشتن از نام و ننگ و فنای کامل در حضرت حق حاصل می‌شوند.

۱-۵. در باب حکایت مری کردن چینی‌ها و رومی‌ها

مأخذ بعضی از تمثیل‌ها در مثنوی به کتاب‌های صوفیه یا اقوال مشایخ می‌رسد و یا تعالیم صوفیه را توجیه می‌کند؛ از جمله ماجرای مری کردن چینیان و رومیان در علم نقاشی که تفاوت علم اهل طریقت را با اهل شریعت بیان می‌کند (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲۰۸).

قدیمی‌ترین روایت از این مناظره را غزالی در کتاب *احیاء العلوم* ذکر کرده است. از مقدمهٔ این داستان برمی‌آید که غزالی آن را از ادبیات شفاهی یا مکتوب آن زمان برگرفته است؛ زیرا با عبارت «در حکایت آمده است» آغاز شده است. غزالی، نقاشی با استفاده از رنگ‌های متنوع را به رومیان و صیقل و آینه کاری را به چینیان نسبت می‌دهد. نظامی نیز در *شرف‌نامه*، این حکایت را مانند داستان غزالی روایت می‌کند، اما سیدمرتضی داعی حسینی در

تبصره/العوام و انوری در قطعۀ فی الحکمه و موعظه این مناظره را به گونه دیگری ارائه کرده‌اند. داعی حسینی، نقاشی را به چینی‌ها و آینه کاری را به رومیان نسبت می‌دهد. همچنین بنا بر روایت انوری، این مسابقه بین دو استاد نقاش صورت می‌گیرد (ر.ک: کتابی، ۱۳۸۶: ۲۵۹-۲۶۴).

قصه این گونه آغاز می‌شود که رومی‌ها و چینی‌ها بر سر مهارت خود در صورت‌نگری با یکدیگر جدال می‌کردند و هر کدام خود را از دیگری برتر می‌دانستند. پادشاه برای پایان دادن به اختلاف آن‌ها تصمیم گرفت هنر آنان را به بوته آزمایش بگذارد. پس قرار بر آن شد که به هر گروه خانه‌ای بدهد تا هنر خود را به نمایش بگذارند. چینی‌ها تمام دیوارهای خانه را به نقوش زیبا آراستند، اما رومیان دیوارها را صیقل زدند. پس از اتمام کار آن‌ها، پادشاه به خانه چینی‌ها رفت و از دیدن آن تصاویر زیبا به وجد آمد؛ آن‌گاه به سراغ رومیان رفت و دیوارهای صیقل زده را دید و این کار بیشتر باعث شگفتی او شد. مولانا در این داستان صوفیان را به رومیان تشبیه کرده که از کتاب و ابزار بی‌نیازند، پیوسته دل خود را صیقل می‌دهند و صفات منفی همچون آز و بخل و کینه را از سینه‌های خود پاک کرده‌اند (ر.ک: میرهاشمی، ۱۳۹۲: ۳۱-۳۲).

زمانی در تأویل اولین مقصود مولانا از این حکایت، وحدت را اصل همه عالم می‌داند و برای کثرت‌ها موجودیت اعتباری قائل می‌شود: وحدت، اصل همه عالم است و کثرت‌ها، موجودیتی اعتباری دارند و دوباره به اصل خود می‌روند. اگر اهل بصیرت باشی، از نمودهای کثیر نیز می‌توانی به عالم وحدت راه پیدا کنی (زمانی، ۱۳۹۳: ۹۹۶).

۲. مبانی نظری

زبان‌شناسی نقش‌گرا^۱ بر نقش‌های زبان توجه دارد و صورت زبان را تابع نقش‌های آن می‌داند. بر این اساس، زبان ابزاری است که برای تعامل اجتماعی به کار می‌رود. واحد تحلیل متن در زبان‌شناسی نقش‌گرا، در بافت^۲ است و هدف تحلیل گر، توصیف و تبیین چگونگی به کار گرفته شدن واحدهای زبانی خاص و روابط صوری است برای حصول معانی خاص (ر.ک: سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۹-۳۰).

نقش‌گرایی هلیدی که اصطلاحاً به دستور نظام‌مند^۳ مشهور است به وجود نظام صوری زبان قائل است و آن را تابع و وابسته به نقش ارتباطی و کاربرد زبان می‌پندارد و به ارائه تبیین‌های نقشی برای نظام صوری زبان تأکید دارد. در این شق نقش‌گرایی، گلچینی از مفاهیم مربوط مأخوذ از سنت نقش‌گرایی اروپایی، مسائل مکتب لندن^۴ و مشخصاً نظریه نظام ساخت ج.آر. فرث^۵، دستاوردهای یلمزلف^۶، مکتب پراگ^۷ مشخصاً آراء مَسیوس^۸ به بار خبری و اطلاعی ساخت جملات از قبیل مبتدا و خبر توجه داشت، ابزارها و عوامل انسجام و ایجاد متن (که هلیدی و رقیه حسن پدید آورندگان آن مفاهیم هستند) مشهود و بارز است (دبیرمقدم، ۱۳۷۸: ۴۱۰).

از نظر هلیدی، زبان نظامی از انتخاب‌های نشانه‌ای است که اهل بیان در سطوح مختلف با توجه به بافت موقعیت^۹

1. Functional Linguistics
2. context
3. Systemic Grammar
4. London School
5. J.R.Firth
6. Hjelmslv
7. Mathesius
8. situation Context of

انجام می‌دهند. مجموعه‌ی این انتخاب‌ها، شبکه‌ای منظم از روابط را به وجود می‌آورد که نقش‌های مختلفی دارند و هر عنصر با ارجاع به نقش آن، در نظام کلی زبان تعریف می‌شود. زبان معانی را سامان می‌دهد و شکل‌گیری آن، تحت تأثیر ضرورت اجتماعی و محیط پیرامون است. این معانی در زبان‌شناسی نقش‌گرا به «فرانقش»^۱ موسوم است (ر.ک: شریفی، ۱۳۹۷: ۶۱).

۱-۲. فرانقش‌های زبان

بر اساس آراء هلیدی، فرانقش‌های زبان عبارت‌اند از:

۱-۱-۲. فرانقش اندیشگانی^۲

فرانقش اندیشگانی، تجربه‌ی انسان را تفسیر می‌کند. به اشیاء نام می‌دهد، آن‌ها را به مقولات طبقه‌بندی می‌کند. سپس نوعاً فراتر می‌رود و مقولات را در طبقه‌بندی‌ها تفسیر می‌کند. اغلب از نام‌های بیشتری برای انجام این کار استفاده می‌کند؛ بنابراین ما، خانه‌ها، کلبه‌ها، گاراژها و سایبان‌ها داریم که همه، انواع ساختمان هستند. سیار، قدم‌زدن، راه‌پیمایی و یورتمه که همه، انواع راه‌رفتن هستند. این‌ها از زبانی به زبان دیگر متفاوت است (Halliday, 2004: 29). فرانقش تجربی در نظام گذرایی محقق می‌شود و منابعی را برای تعبیر تجارب بیرونی و درونی ما از طریق فرایندها، شرکت‌کننده‌ها و موقعیت بیان می‌کند» (لاوید، آروس، و زامورانو-منسیلا، ۲۰۱۰، ترجمه فضایی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

۲-۱-۲. فرانقش بینافردی^۳

هنگامی که از زبان استفاده می‌کنیم، هم‌زمان با تجزیه و تحلیل، زبان، روابط شخصی و اجتماعی ما را ایفا و اجرا می‌کند. بند در دستور نقش‌گرا، فقط نماینده فرایندها، مشارکان و شرایط محیطی نیست، بلکه یک گزاره یا پیشنهاد است که به موجب آن، مطلع می‌شویم (می‌کنیم)، پرسش می‌کنیم، دستور و پیشنهاد می‌دهیم و نگرش خود را درباره‌ی فرد یا شیء مورد نظر بیان می‌کنیم. فرانقش بینافردی، بیان‌گر روابط اجتماعی و فردی است (Halliday, 2004: 29-30).

۳-۱-۲. فرانقش متنی^۴

این فرانقش با ساختار (شکل‌گیری) متن مرتبط است. تحقق یافتن فرانقش‌های اندیشگانی و بینافردی، بستگی دارد به ساختن زنجیرواری از گفتمان، سازمان‌دادن جریان گفت‌وگو و ایجاد انسجام و پیوستگی بخشیدن به گفتمان در حال پیشرفت. ما این فرانقش را متنی می‌نامیم (Halliday, 2004: 30).

۲-۲. بافت موقعیتی کلام

«هلیدی (۱۹۷۶) با الهام از مفهوم «بافت موقعیت» و نیز نظریه «نظام ساختی فرث (۱۹۳۵)» (ر.ک: مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۳: ۱۱۲-۱۱۴) در زبان‌شناسی، نظریه «زبان‌شناسی سیستمی نقش‌گرا»^۵ را با تقسیم‌بندی‌های چهارگانه زیر شرح و بسط داده

1. Metafunction
2. Ideational Metafunction
3. Metafunction Interpersonal
4. Textual Metafunction
5. Functional Systemic Linguistic

است:

۲-۲-۱. مشارکان موقعیت^۱

آنچه «فرث» اشخاص و شخصیت‌ها می‌دانست و کم‌وبیش مطابق با چیزی است که جامعه‌شناسان، نقش‌ها و موقعیت‌های مشارکان می‌دانند.

۲-۲-۲. کنش مشارکان

آنچه مشارکان انجام می‌دهند که هم شامل کنش‌های کلامی و هم کنش‌های غیرکلامی آنهاست. دیگر ویژگی‌های مرتبط با موقعیت، یعنی اشیاء و رخداد‌های مرتبط با آنچه در جریان است.

۲-۲-۳. تأثیرات کنش کلامی

یعنی تغییر حالت یا وضعیتی که از رهگذر گفته‌های مشارکان حاضر در موقعیت، ظاهر می‌شود» (صفایی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۹).

۲-۲-۴. نظام گذرایی^۲

اصطلاح گذرایی شاید به‌عنوان روشی برای متمایز کردن افعال بر این اساس که آن‌ها مفعول دارند یا خیر، اصطلاح آشنایی باشد؛ اما در دستور نقش‌گرا، گذرایی در یک مفهوم بسیار وسیع‌تر به کار می‌رود. علی‌الخصوص این که گذرایی به یک سیستم (شبکه) برای توصیف کلّ بند مربوط است، نه این که تنها فعل و مفعولش را توصیف کند. اگرچه گذرایی با کاربرد سنتی آن (تمرکز روی گروه فعلی) اشتراکاتی دارد، زیرا نوعی از فعل است که تعیین می‌کند چگونه مشارکان نام‌گذاری می‌شوند. به‌عنوان مثال، فاعل فرایندهای فیزیکی^۳، (مانند لگزدن یا شوت کردن) یک عنوان متفاوت با فاعل فرایندهای ذهنی^۴ (مانند آرزو کردن) دارد (Thompson, 2004: 88-89).

در ساختار تعدی نیز عنصری که فرایند را بازنمایی می‌کند، نقشی کانونی ایفا می‌کند. این عنصر همان «فعل» است. در این راستا، برای بیان معناهای پیش‌گفته، در ساختار تعدی دو اصطلاح فعل ناگذر (ناگذرا) و فعل گذرا (گذرا) به کار گرفته می‌شوند. فعل ناگذر بیان‌گر فعل‌های یک مشارکی یا یک ارزشی است، اما فعل گذرا فعلی است که دو یا سه مشارک در وقوع آن دخالت دارند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۰-۴۱). اکنون به بررسی فرایند، عناصر فرایند و انواع آن پرداخته می‌شود.

۲-۳. فرایند^۵

رخداد، احساس، گفتار یا بود و نبود امری است که در قالب گروه‌های فعلی تحقق می‌یابد. عناصر فرایند: ۱. خود فرایند ۲. شرکت‌کننده یا مشارک ۳. عنصر موقعیتی^۶ این عناصر که هر کدام نقشی را ایفا می‌کنند، به ترتیب توسط مقوله‌های نحوی گروه فعلی، گروه اسمی، گروه صفتی، گروه قیدی یا گروه حرف اضافه‌ای در زبان نمودار می‌شوند. مقولهٔ فرایند که توسط گروه فعلی در بند بیان می‌شود، از منظر فرانش تجربی، هستهٔ پیام را تشکیل

1. Participants of situation
2. Transitivity System
3. Physical Process
4. Mental Process
5. Process
6. Element Of Situation

می‌دهد؛ بنابراین، سه مفهوم فرایند، شرکت‌کننده و موقعیت، مقولات معنایی هستند و به‌طور کلی این واقعیت را بیان می‌کنند که پدیده‌های دنیای خارج چگونه به‌صورت ساخت‌های زبانی عینیت می‌یابند (ر.ک: تامپسون، ۲۰۰۴: ۸۹، به نقل از فضایی و ابراهیمی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

در میان مفاهیم فرایند، مشارکین و عناصر پیرامونی فرایند، نقش کانونی را خود فرایند ایفا می‌کند و در نتیجه، تعداد و نوع مشارکین را هم تعیین می‌کند. در این چارچوب، فرایندها به تناسب نوع و معنایی که دارند می‌توانند یک یا دو یا سه مشارک داشته باشند که در بیان فنی معناشناختی، آن‌ها را فرایندهای یک‌ارزشی، دوارزشی و سه‌ارزشی می‌نامیم. برای مثال، فرایند «مردن» فقط یک مشارک را به خود می‌پذیرد و یک ارزشی است، اما فرایند «دادن» به‌صورت بالقوه سه مشارک می‌گیرد و سه ارزشی است (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۰-۴۱).

فرایندها با توجه به معناهایشان به شش دسته طبقه‌بندی می‌شوند و در دو دسته‌ی کلی فرایندهای اصلی و فرایندهای فرعی قرار دارند. فرایندهای اصلی عبارت‌اند از فرایند مادی^۱، ذهنی^۲ و رابطه‌ای^۳ و فرایندهای فرعی شامل فرایندهای رفتاری^۴، کلامی^۵ و وجودی^۶ هستند.

۲-۳-۱. فرایند مادی

این فرایند انجام عمل یا روی‌دادن رخدادی را در بر می‌گیرد. شرکت‌کننده‌های این فرایند کنش‌گر و کنش‌پذیر هستند. از جمله نمونه‌های این فرایند می‌توان به دویدن، پختن، پرتاب کردن و غیره اشاره کرد (مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

۲-۳-۲. فرایند ذهنی

این فرایند در بندهایی به کار می‌رود که به حواس پنج‌گانه مربوط‌اند. به علاوه، افعالی مانند دوست‌داشتن، حس کردن، فکر کردن و تصور کردن را شامل می‌شود (ر.ک: مصطفوی و صنعتی، ۱۳۹۵: ۱۳۹).

۲-۳-۳. فرایند رابطه‌ای یا فرایند «بودن»

طبقهٔ وسیعی از فرایندها را شامل می‌شود و نقش فرایند در بند، نشان‌دهندهٔ ارتباط بین دو مفهوم است (ر.ک: قمرزاده و صنعتی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

۲-۳-۴. فرایند رفتاری

این فرایند، رفتارهای فیزیولوژیکی و روانی مانند نفس کشیدن، سرفه کردن، خندیدن، خواب‌دیدن، خیره شدن و غیره را شامل می‌شود (ر.ک: قمرزاده و صنعتی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

۲-۳-۵. فرایند کلامی

«فرایندی است با فعل‌هایی که همه از نوع «گفتن»‌اند و بیشتر در بندهای مرکب ظاهر می‌شوند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۷).

1. Material
2. Mental
3. Relational
4. Behavioral
5. Verbal
6. Existential

۲-۳-۶. فرایند وجودی

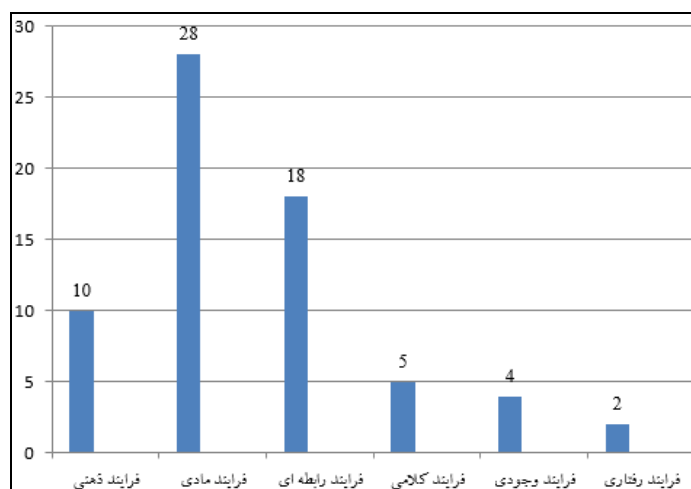
دلالت بر موجودیت یا هستی (و یا نیستی) یک پدیده دارد. فعل در بندهایی که حاوی این فرایند هستند، معمولاً فعل «بودن» است (ر.ک: مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۴۷).

۳. یافته‌ها

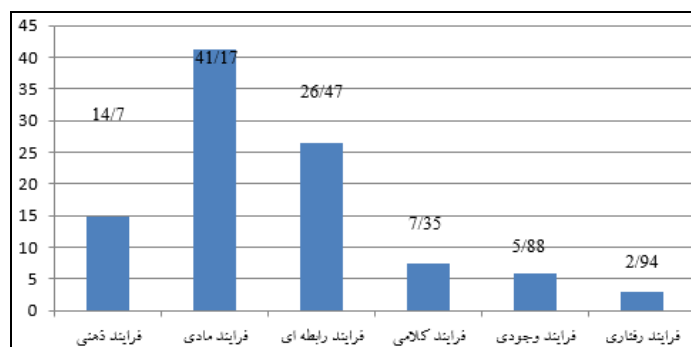
بررسی آماری شش فرایند در تمام ابیات حکایت (تعداد کل فرایندها: ۶۸) به صورت جدول و نمودارهای ارائه شده زیر است:

جدول ۱: فراوانی و درصد فرایندها

نوع فرایند	مادی	ذهنی	رابطه‌ای	کلامی	وجودی	رفتاری
فراوانی	۲۸	۱۰	۱۸	۵	۴	۲
درصد فراوانی	۴۱/۱۷	۱۴/۷۰	۲۶/۴۷	۷/۳۵	۵/۸۸	۲/۹۴



نمودار ۱: نمودار فراوانی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در مناظره چینی‌ها و رومی‌ها



نمودار ۲: نمودار درصدی انواع فرایندهای نقش اندیشگانی در مناظره چینی‌ها و رومی‌ها

۴. تجزیه و تحلیل فرایندها براساس جدول و نمودارهای بالا

براساس جدول‌ها و نمودارهای بالا، فرایند مادی بیشتر از دیگر فرایندها در مناظره چینی‌ها و رومی‌ها به کار رفته و از میان ۶۸ فرایند در کل مناظره، ۲۸ فرایند ذهنی، یعنی ۴۱/۱۷ از کل فرایندها را به خود اختصاص داده است. فرایند مادی بر امور فیزیکی و عینی دلالت می‌کند و آن‌چه در این فرایند اهمیت دارد، کنش است. شاعر برای این‌که مفاهیم عرفانی را به ذهن نزدیک کند و آن‌ها را برای مخاطب ملموس نماید، داستان را این گونه آغاز می‌کند:

هریک از دو گروه چینی‌ها و رومی‌ها، خانه‌ای را انتخاب می‌کنند. چینی‌ها صد رنگ را از پادشاه طلب می‌کنند و هر صبح از او رنگ‌های مختلفی را می‌گیرند و خانه را با آن رنگ می‌کنند؛ از سوی دیگر، رومی‌ها در خانه را می‌بندند و تنها به صیقل‌زدن و صاف کردن خانه می‌پردازند. برای بیان بخش‌هایی از این مرحله در آغاز داستان، از افعال فیزیکی و مادی استفاده شده است؛ مانند:

چینیان صد رنگ از شه خواستند پس خزینه باز کرد آن ارجمند

(همان، ب ۶)

در فرو بستند و صیقل می‌زدند همچو گردون ساده و صافی شدند

(همان، ب ۹)

اما شاعر از این فضای فعال و کنش‌گرانه، نتیجه‌ای عارفانه از این مرحله می‌گیرد و می‌گوید:

از دو صد رنگی به بی‌رنگی رهی است رنگ چون ابر است و بی‌رنگی مهی است

(همان، ب ۱۰)

بعضی دیگر از فرایندهای مادی برای بیان مفاهیم استعاری عرفانی استفاده شده‌اند؛ مانند:

شه در آمد دید آن جانقش‌ها می‌ربود آن، عقل را و فهم را

(همان، ب ۱۳)

هر چه آن جا بود، این جا به نمود دیده را از دیده‌خانه می‌ربود

(همان، ب ۱۶)

در بیت‌های دیگر نیز، استفادهٔ شاعر از فرایندهای مادی در این حکایت، برای ملموس‌تر شدن و نزدیک‌تر شدن مفاهیم عرفانی این حکایت به ذهن است. برای مثال:

تا نقوش هفت جنت تافته است لوح دلشان را پذیرا یافته است

(همان، ب ۲۷)

گر چه نحو و فقه را بگذاشتند لیک محو و فقر را برداشتند

(همان، ب ۳۱)

البته بعضی از فرایندهای مادی در بافت استعاری و عارفانهٔ این حکایت (و در ارتباط با مشارکان خود) معنای فرایند ذهنی را دارند؛ این کاربرد استعاری فرایندهای مادی باعث می‌شود کنش و عمل فیزیکی، اهمیت خود را از دست بدهد و عینیت، جای خود را با امور ذهنی و غیر محسوس عوض کند؛ مانند:

رفت فکرو روشنایی یافتند نحر و بحر آشنایی یافتند

(همان، ب ۲۸)

گر چه نحو و فقه را بگذاشتند لیک محو و فقر را برداشتند

(همان، ب ۳۱)

لیک صیقل کرده‌اند آن سینه‌ها پاک از آرزو و حرص و بخل و کینه‌ها

(همان، ب ۱۸)

بعد از فرایند مادی، درصد فرایند رابطه‌ای بیشتر است؛ یعنی ۱۸ فرایند از کل ۶۸ فرایند و به بیان دیگر ۴۷/۲۶

درصد از مجموع فرایندها. این فرایند برای توصیف و به تصویر کشیدن فضای انتزاعی این مناظره به کار رفته است.

همچو گردون ساده و صافی شدند در فرو بستند و صیقل می‌زدند

(همان، ب ۹)

کاو نقوش بی عدد را قابل است آن صفای آینه و صف دل است

(همان، ب ۱۹)

آینهٔ دل را نباشد حد بدان و آنکه محدود است و معدود است آن

(همان، ب ۲۲)

بعد از فرایندهای رابطه‌ای، بیشترین بسامد مربوط به فرایندهای ذهنی است: ۱۰ فرایند از کل ۶۸ فرایند و یا ۱۴/۷ از مجموع فرایندها. با استفاده از این فرایند، شاعر مباحث عرفانی، غیر محسوس و ماورایی را به تصویر کشیده است. مضامینی همچون: کثرت در وحدت، تزکیهٔ نفس، بی‌نیازی عارفان از علوم ظاهری و... برای مثال:

گرچه نحو و فقه را بگذاشتند لیک محو و فقر را برداشتند

(همان، ب ۳۱)

اهل صیقل رسته‌اند از بوی و رنگ هر دمی بینند خوبی بی‌درنگ

(همان، ب ۲۶)

نقش و قشر و علم را بگذاشتند رایست عین الیقین افراشتند

(همان، ب ۲۷)

بعد از فرایندهای ذهنی، فرایندهای کلامی، بیشترین فراوانی را دارند. این فرایندها، ۵ مورد (۷/۳۵) از مجموع ۶۸ فرایند را تشکیل داده‌اند. گویا راوی، تمایل نداشته از فرایندهای بیانی، بیش از این استفاده کند و نتیجهٔ این مناظره را به‌طور مستقیم از زبان شخصیت‌ها بیان کند؛ بلکه از اواسط مناظره، نظر خود را به‌صورت ابیاتی که در آنها، مفاهیم عارفانه و انتزاعی بیشتری قرار دارند اظهار می‌کند. بسامد اندک و روش به کارگیری فرایندهای بیانی، موجب شده است تا متن از ویژگی گفت‌وگویی و مکالمه‌ای به دور باشد و به تک‌گویی نزدیک شود. چند مثال از فرایندهای کلامی:

چنینان گفتند ما نقاش تر رومیان گفتند ما را کر و فر

(همان، ب ۱)

گفت سلطان امتحان خواهم در این کز شماها کیست در دعوی گزین

(همان، ب ۲)

فرایندهای وجودی به لحاظ بسامد، در مرحلهٔ بعد قرار دارند: ۴ مورد (۵/۸۸)، مانند:

گرچه آن صورت نگنجد در فلک نه به عرش و فرش و دریا و سمک

(همان، ب ۲۱)

از دو صد رنگی به بی‌رنگی رهی است رنگ چون ابر است و بی‌رنگی مهی است

(همان، ب ۱۰)

چنانچه مشاهده شد، این فرایندها هم برای ملموس تر کردن مفاهیم عرفانی به کار رفته‌اند.

از فرایندهای رفتاری هم دو مورد (۲/۹۴) در این حکایت یافت شد که برای بیان مضمون عرفانی فنای صوفیانه و عارفانه و عدم توجه به مرگ و نیستی ظاهری به کار رفته است:

اهل روم و چین چون حاضر شدند رومیان از بحث در مکث آمدند

(همان، ب ۳)

مرگ کاین جمله از او در وحشت‌اند می‌کنند این قوم بر وی ریش‌خند

(همان، ب ۲۹)

۵. نتیجه‌گیری

نظریهٔ نقش‌گرایی هلیدی، در خوانش مناظرهٔ چینیان و رومیان اهمیت چشم‌گیری دارد. در این مناظره، بیشتر از فرایندهای مادی استفاده شده است. بررسی این داستان نشان داد که می‌توان ذیلی بر نظریهٔ نقش‌گرایی هلیدی افزود: اغلب فرایندهای مادی در رو ساخت اولیه، مادی هستند؛ اما با تأویل عارفانهٔ این حکایت (با مضامین عرفانی همچون کثرت در وحدت، تزکیهٔ نفس از صفات نکوهیده، بی‌نیازی عارفان از تحصیل علوم ظاهری و...) جنبهٔ عارفانهٔ آن‌ها در این متن برجسته‌تر است. به عبارت دیگر، در این داستان، فرایندهای مادی برای برقراری رابطهٔ ملموس‌تر و عینی‌تر با مخاطب و در نتیجه روشن شدن مدارهای عرفانی مولانا به کار رفته‌اند. بعد از فرایندهای مادی، فرایندهای رابطه‌ای و ذهنی، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده‌اند. استفاده از این فرایندها مبتنی بر کنش‌گری عرفانی مولانا در این حکایت است. همچنین فرایندهای رفتاری کمترین بسامد را دارند؛ به این دلیل که بنیاد این داستان مفاهیم عارفانه است و رفتارهای انسانی اهمیت خاصی ندارند.

منابع

- امیرخانلو، معصومه (۱۳۹۴)، «سبک‌شناسی غزلیات حافظ بر اساس فعل، رویکرد نقش‌گرا»، *ادب فارسی*، سال پنجم، شماره ۲: ۱۶۹-۱۸۶.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، *بحر در کوزه*، چاپ هشتم، تهران: علم.
- زمانی، کریم (۱۳۹۳)، *شرح جامع مثنوی معنوی*، دفتر اول، چاپ چهل و چهارم، تهران: اطلاعات.
- سلطانی، سیدعلی اصغر (۱۳۸۴)، *قدرت، گفتمان و زبان؛ ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی*، چاپ دوم، تهران: نی.
- شریفی، آزاده (۱۳۹۷)، *سبک‌شناسی کاربردی*، تهران: فاطمی.
- فضایلی، سیده‌مریم و شیما ابراهیمی (۱۳۹۳)، «تحلیل سبک‌شناختی داستان هفت خوان رستم شاهنامه در چارچوب دستور نقش‌گرایی نظام‌مند هلیدی»، *فصلنامه مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، سال اول، شماره ۴: ۱۱۹-۱۴۲.
- قمرزاده، میترا و مرضیه صناعتی (۱۳۹۶)، «بررسی گروه اسمی مفعولی در زبان فارسی از منظر دستور نقش‌گرایی هلیدی»، *پژوهش زبان‌شناسی تطبیقی*، سال هفتم، شماره ۱۳: ۱۲۷-۱۴۷.
- کتابی، احمد (۱۳۸۵)، «مری کردن رومیان و چینیان در علم نقاشی و صورت‌گری، مقایسهٔ روایت مولوی با روایات غزالی، نظامی، اوری و داعی حسنی»، *آیة میراث*، دورهٔ جدید، سال پنجم، شماره ۱ و ۲: ۲۵۸-۲۷۱.
- مشهور، پروین دخت و محمد فقیری (۱۳۹۴)، «بررسی انواع فرایندهای فرانقش‌اندیشگانی در غزلیات سعدی با رویکرد شناختی»، *پژوهش‌نامهٔ ادب غنایی*، دوره ۱۳، شماره ۲۵: ۱۵۳-۱۶۸.
- مصطفوی، پونه و مرضیه صناعتی (۱۳۹۵)، «بررسی سبکی یک داستان کوتاه معاصر از منظر نقش‌گرایی هلیدی»، *مجلهٔ زبان و زبان‌شناسی*، ۱۳۱-۱۵۶.
- منشی‌زاده، مجتبی و لیلیا الهیان (۱۳۹۴)، «بررسی سبک‌شناختی فعل در گلستان متأثر از حوزهٔ تعلیمی آن با رویکرد نقش‌گرایی نظام‌مند»،

دوماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۶: ۲۵۹-۲۷۹.

مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶)، به سوی زبان‌شناسی شعر، تهران: مرکز.

مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۹۵)، مثنوی معنوی، براساس نسخه رینولد نیکلسون، تهران: آتون کتاب.

میرهاشمی، سیدمرتضی (۱۳۹۲)، داستان‌ها و پیام‌ها در مثنوی به ضمیمه صد حکایت منظوم، تهران: علم.

نخعی، مریم (۱۳۹۶)، «سبک‌شناسی گلستان براساس فعل بر مبنای دستور نقش‌گرای نظام‌مند»، مجله پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی،

دوره ۸، شماره ۳۰: ۱۹۵-۲۱۵.

وزین پور، نادر (۱۳۶۵)، آفتاب معنوی چهل داستان از مثنوی جلال‌الدین محمد مولوی، تهران: امیرکبیر.

References

- Amirkhanlou, M. (2015). "Sabkshanasī ghazaliyat e Hafez bar asase fel", Rooykarde naghshgera. adabe farsi. fifth year. Number 169 (In Persian).
- Fazaeli, S. M. & Ebrahimi, Sh. (2014). "Tahlile e Sabkshenasi e daastane Haft-Khaan e Rostam Shahnameh dar chaarchbe dastoor e naghshgeraye nazam mand e Haliday". Faslname Motaleat Zaban va goyeshhaye gharbe Iran. first year . Number 4. 119-142 (In Persian).
- Halliday, M. A. K. (2004). An introduction to functional grammar (3rd ed), Axford university press inc, New York.
- Ketaabi, A. (2006). "Merakardane Romans va Chinese dar elm e naghaashi, soratgari. Moghaayeceye revayt Molavi ba revayate Ghazaali, Nezaami va Anvari va Da'ei Hosseini". Ayeneye miraas. New period. Fifth year. No. 1 va 2. 258-271 (In Persian).
- Mashhoor, P. & Faghiri, M. (2015). "Barrasie anvae farayandhaaye faranaghshhe andishgaany dar ghazaliat Saadi ba rooykarde shenakhty. Pazhooheshname adab e ghenayi. Volume 13. Number 25. 153-168 (In Persian).
- Mirhashmi, S. M. (2013). *Daastanha va payamha dr Masnavi be zamimeye sad hekaayate manzoom*. Tehran: Elm (In Persian).
- Mohaajer, M. & Nabavi, M. (1997). *Be sooye zabanshenasye sher*, Tehran: Markaz (In Persian).
- Monshizadeh, M. & Elahiaan, L. (2015). "Bar asase fell dar Golestan motaasser az hozeye talimiye aan ba rooykarde naghshgeraye nezaammand. Do mahnamey e jostaarhaye zabany. Volume 6. Number 6. 259-279 (In Persian).
- Mowlavi, J. M. (2016). *Masnavi Manavi*, based on Reynolds Nicholson's version, Tehran: Aton Ketab (In Persian).
- Mustafavi, P. & Sanaty, M. (2016). "Barrasi e sabkye yek dastane kootah e moaser az manzare naghshgeraye Halliday. Majalle zaban va zabansganasi. 131-156 (In Persian).
- Nakhaie, M. (2017). "Sabkshanasie Golestan bar assaaase fel bar mabnaaye dastoore naghshgeraye nezammand". Majalleye pazhoheshhaye naghde adabi, sabkeshanasi. Volume 8, Number 30. 195-215 (In Persian).
- Qamarzadeh, M. & Sanaati, M. (2017). "Barraci e goroohe esmy e mafuly dar zabane farsi az manzere dastoore naghshgeraye Haliday". Pazhoheshe zabanshanasie tatbighi. seventh year No. 13. 127-147 (In Persian).
- Sharifi, A. (2018) *Sabkshenasi kaarbordy*, Tehran: Faatemi (In Persian).
- Soltani, S. A. A. (2005). *Ghadrat, Gogfteman, va Zaban; sazokarhaye garyan e ghodrat dar jomhorye eslami, second edition*, Tehran: Ney (In Persian).
- Thomson, G. (2004). *Introducing Functional Grammar* (2nd ed), Axford university press inc, New York.
- Vezinpour, N. (1986). *Aftaabe Manavi Chehel Daastan az Masnavi Jalaladdin Mohammad Mowlavi*, Tehran: Amir Kabir (In Persian).
- Zamani, K. (2014). *sharhe jame e Masnavi Manavi*, first book, 44th edition, Tehran: Ettelaaat (In Persian).
- Zarin-Koob, A. H. (1999). *Bahr Dar Kozeh*, 8th edition, Tehran: Elm (In Persian).